

در دفاع از سوسیالیسم (۱۳) جنگ گرجستان و حزب کمونیست روسیه

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

• کمونیست ها موظف ند از ایجاد نفرت بین خلق ها و بخصوص کارگران و زحمتکشان آن دو خلق جلوگیری نمایند. متأسفانه حزب کمونیست روسیه با صدور آن دو اعلامیه ناسیونالیستی و حذف فاجعه انسانی رخ داده توسط ارتش روسیه، نفرت زحمتکشان گرجستان را بر علیه خود موجب گردیده است ...

اخبار روز: www.iran-chabar.de

دوشنبه ۲۲ مهر ۱۳۸۷ - ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸

با حمله نیروهای گرجی به تسخینوالی فاجعه‌ی انسانی دیگری در قفقاز رقم خورد. ساکا شویلی در اقدامی فریبکارانه و در شرایطی که به جامعه جهانی اطمینان داده بود که به اوستیای جنوبی حمله نخواهد نمود، در بحبوحه برگزاری بازی‌های المپیک که خود نماد صلح و دوستی است، با پشتیبانی آمریکا و اطمینان از حمایت اروپا و با تمسک به شیوه‌های فاشیستی، اوستیای-جنوبی را متصرف شد. حکومت گرجستان یکی از وابسته ترین حکومت‌ها در منطقه به آمریکاست، که توسط مستشاران آمریکایی و اسرائیلی اداره می شود. با توجه به وابستگی حکومت گرجستان و ارادت شخص ساکاشویلی به آمریکا، ناپستی تردیدی داشت که حمله نیروهای گرجی توسط مشاوران نظامی آمریکا طراحی و تدارک دیده شده بود. از اینرو افشاء و مبارزه با این اقدام جنایتکارانه گامی در راه مبارزه با امپریالیسم آمریکاست.

متعاقب حمله گرجستان، روسیه در اقدامی سریع و قاطع نیروهای گرجی را از مواضع تسخیری عقب رانده و شکست سختی را بر گرجستان و جواب دندان-شکنی را به آمریکا و شرکای غربی-اش وارد نمود. واکنش روسیه به این حمله، واکنشی بی سابقه در دو دهه اخیر از جانب این کشور بشمار می-رود. روسیه بعنوان وارث شوروی پس از شکست و فروپاشی آن طی دو دهه گذشته همواره مجبور به عقب نشینی های تلخ و سنگینی در مقابل آمریکا و اروپای-غربی بوده است. از دست دادن موقعیت برترش در یوگسلاوی، عراق و کوزوو نه تنها به بهای از دست دادن مواضع استراتژیک- این کشور در عرصه معادلات جهانی صورت گرفت، بلکه غرور ملی روسها را هم بشدت جریحه-دار نمود.

عکس العمل غیر مترقبه روسیه آغاز دورانی دیگر در تاریخ این کشور را نوید می دهد. فرا رسیدن "زمان خاتمه دادن به سیاست مانورهای بزدلانه، عقب نشینی-ها و امتیاز دادن-ها." (۱) روسیه با این اقدام در پی آن بود که نشان دهد دوران عقب نشینی های گام به گام خاتمه یافته و آنها دیگر حاضر نیستند برای کسب رضایت دوستان غربی-شان بیش از این امتیاز بدهند. روسها نشان دادند که منطقه قفقاز برای-شان حیاتی تر از آنست که آمریکا حتا برای تست واکنش آنها هم که شده بخواد توسط مهره-هایی-چون ساکاشویلی کاری مغایر منافع استراتژیک آنها انجام دهد. جنگ تسخینوالی بمتابه ماکتی کوچک از نبرد استالینگراد و پایان عقب نشینی-های ارتش سرخ در برابر آلمان هیتلری و آغاز یورش-های سرنوشت سازش می-ماند. نبردی که طی آن صفحه جنگ برگشت و سرنوشت جنگ به-گونه-ای رقم خورد که آغازگران جنگ و مشوقان فاشیست-ها انتظار آنرا نداشتند. نبرد تسخینوالی آغازی برای گذر روسها از عقب نشینی های گام به گام به دوران تهاجم-های بعدی است. جنگ گرجستان و واکنش تند روسیه همچنین پیام روشنی بود به طرفداران غرب و مخالفان روسها در اوکراین و شاید هم آذربایجان، پیامی که قبل

از جنگ هم خیلی-ها در اوکراین و قفقاز آنرا دریافت کرده بودند.

طرفین درگیری اهداف متفاوتی را از جنگ دنبال می-نمودند. برای گرجستان و شریک اصلی-اش آمریکا این اهداف می توانست:

- ارضای تمایلات ناسیونالیستی گرجی ها و استفاده از این امتیاز برای تحکیم دولت ساکاشویلی

- تقویت موقعیت این کشور در پروژه انتقال انرژی خزر، که با نا امن شدن مسیر باکو- تفلیس- جبهان خریداران غربی بدنبال یافتن مسیرهای امن تری خواهند بود.

- تست واکنش احتمالی روسیه در برابر اجرای برنامه های آتی آمریکا در منطقه قفقاز و اوکراین باشد.

اهداف روسیه را می توان به نوعی دیگر توضیح داد:

- ترمیم احساسات ناسیونالیستی روسها که با شکست-های متوالی و عقب نشینی-های پی-در-پی در عرصه-های جهانی خصوصاً در بالکان بشدت آسیب دیده است.

- استفاده از این امتیاز برای تحکیم موقعیت حکومت نئولیبرالیستی پوتین - مدودف،

- دفاع از موقعیت تاریخی و استراتژیک این کشور و تحکیم آن در منطقه قفقاز و ممانعت از گسترش ناتو به مرزهای جنوبی،

- ارسال پیامی صریح به مخالفین روسها در اوکراین و ممانعت از عضویت اوکراین در ناتو.

- ترساندن اروپا از وارد شدن در بازی خطرناکی که آمریکا در جمهوری-های سابق شوروی آغاز نموده است.

گذشته از پی-آمدهای مخرب جنگ، واکنش-های متفاوت جهان هم نسبت به این موضوع حائز اهمیت بود. آمریکا در نخستین روزهای جنگ با روانه کردن کاندالیزا رایس به تفلیس و اعلام اینکه "همه ما گرجی هستیم" و باز گرداندن سربازان گرجی مستقر در عراق حمایت کامل خود را از این کشور اعلام نمود. اروپا در واکنش به رفتار روسیه دو شقه شد. انگلیس و چند کشور دیگر از مواضع آمریکا حمایت نمودند. گروهی دیگر نیز مانند آلمان و تا حدودی فرانسه رفتار احتیاط آمیزی پیشه کرده و ضمن انتقاد از حمله روسیه، ناخشنودی خود را از رفتار گرجستان نیز پنهان نمودند. چین و کشورهای عضو پیمان شانگهای بطور ضمنی از روسیه حمایت کردند، هرچند که علیرغم درخواست روسیه از برسمیت شناختن استقلال اوستیای-جنوبی و آبخازیا امتناع ورزیدند. دولت ایران نیز به امید جلب حمایت روسیه در پرونده اتمی-اش تلویحاً از این کشور حمایت نمود. اما افکار عمومی جهان و نیروهای ترقی-خواه و مدافع حقوق-بشر بیش از هرچیز نگران ضایعات انسانی جنگ و وارد شدن آسیب-های غیر قابل جبران به مردم عادی از هر دو طرف بودند. آنها بخوبی دریافته اند که از این جنگ نیز بوی نفت می آید و درگیری های بوجود آمده در اوستیای-جنوبی و گرجستان، در حقیقت جدال آمریکا و روسیه برای تسلط بر انرژی منطقه و نهایتاً برسر منافع سرمایه-داران خود می باشد و هیچ ربطی به منافع مردم منطقه ندارد.

آنچه در این میان عجیب تر می نمود مواضع حزب کمونیست روسیه بود. حزبی که خود را وارث بلامنازع حزب کمونیست شوروی و بنیان گذار آن لنین و پیرو لنینیسم می داند. حزب کمونیست روسیه با صدور دو بیانیه نه تنها از مواضع دولت روسیه و باند پوتین- مدودف حمایت نمود، بلکه جهانیان و بالاخص احزاب کمونیست را برای حمایت از اقدام روسیه فراخواند. در این راستا بنظر می-رسد موفق بوده است. چرا که این احزاب اگر از اقدام دولت روسیه پشتیبانی هم ننموده باشند لافل مخالفتی هم ابراز نکرده-اند. حزب کمونیست در حمایت بی چون چرا از دولت

روسیه تا بدانجا پیشرفت که تمایزی بین خود و دولت روسیه قائل نشد. "رهبری روسیه گام کاملاً ضروری و درستی را برای کمک نظامی به قربانیان تجاوز برداشته است. حزب کمونیست فدراتیو روسیه از اقدامات مصمم برای عقب راندن متجاوز حمایت می‌کند. اما به مجرد آنکه عملیات نظامی شروع شده‌اند، بایستی این عملیات تا در هم کوبیدن متجاوز برای از بین بردن تمایل او و متحدان آن برای ماجرا جوئی‌ها و ماجرا آفرینی‌های مشابه خاتمه یابد. لازم است که متجاوز تنبیه شود. اگر روسیه این-چنین عمل نکند این موجب ضربه روحی در برابر دیدگان خلق-های نه تنها این منطقه بلکه تمامی جهان می-شود." (۲) و "همان طور که همه اطلاع دارند، ۹۰ درصد جمعیت اوستیای جنوبی شهروند روسیه هستند. مطابق قانون اساسی فدراسیون روسیه، دولت باید امنیت شهروندان خود را تضمین کند. تحت چنین شرایطی ما یک عملیات اضطراری را برای برقراری صلح آغاز کردیم." (۳) بطوری-که ملاحظه می-شود، احساسات ناسیونالیستی چنان بر حزب کمونیست روسیه مستولی گردیده که نیازی به تمایز بین خود و نئولیبرال-های روسیه نمی-بیند و چنان بنظر می-رسد که پوتین و مددوف از اعضای این حزب می-باشند. اینان ادامه منطقی رهبرانی هم-چون یلتسین هستند که در فروپاشی شوروی نقش مهمی در کنار سرمایه-داری جهانی ایفاء نمودند. حزب کمونیست روسیه هیچ انتقادی را متوجه دولت روسیه نمی-داند و اگر هم انتقادی دارد نه بخاطر ویران-گری-های آن دولت، بلکه بخاطر عدم قاطعیت آنان در برخورد با متجاوزین گرجی است. "حزب کمونیست فدراتیو روسیه از رئیس جمهور فدراتیو روسیه و روسای دولت روسیه سریعاً درخواست می‌کند که ... تحت شانتاژ غرب قرار نگیرند و محدودیتی را برای ارتش روسیه در شرایط فراهم شده برای در هم کوبیدن کامل تجاوزگر بوجود نیاورند." (۴) عبارت بالا مصداق این استنباط‌لنین است که "هر کشور با عبارت پردازی-های کاذبانه-ای در باره میهن-پرستی می-کوشد جنگ ملی "خویش" را مقدس جلوه-گر نماید و مطمئن سازد که هدف مساعی وی پیروزی بر حریف، غارت و تصرف اراضی نبوده، بلکه "رهايي" کلیه ملت‌های دیگر بجز ملت خویش است." (۵) با قبول تفاسیر حزب کمونیست روسیه، لابد حزب کمونیست آمریکا هم مجاز خواهد بود از حمله آن کشور به افغانستان بخاطر انفجار برج-های دوقلو توسط القاعده حمایت نماید.

آموزه های لنین حاکی از آنست که جنگ انعکاسی از نبرد طبقاتی است. عادلانه یا ناعادلانه بودن جنگ هم تابعی از ماهیت طبقاتی طرفین دعوا و اهدافی است که آنان دنبال می‌کنند. برای بررسی ماهیت جنگ گرجستان قبل از هر چیز نیازمند تبیین ماهیت نظام حاکم بر روسیه و طبقه-ای هستیم که بر این کشور حکومت می‌کنند. چرا که ماهیت طرفین دیگر دعوا واضح و آشکار است. در آن-سوی جبهه جنگ آمریکای امپریالیست و دیگر شرکای غربی-اش قرار دارند که پشت گرجستان ساکاشویلی با نهایت وابستگی و سرسپردگی-اش، سنگر گرفته-اند. اهدافی که این بلوک دنبال آن هستند، اهدافی امپریالیستی و ارتجاعی و جنگی که از جانب اینان بر منطقه تحمیل گردیده، جنگی ناعادلانه و سلطه-گرانه می-باشد. اما طرف دیگر دعوا که مورد حمایت حزب کمونیست روسیه می‌باشد، کیست؟ اگر دو دهه قبل نظامی سوسیالیستی - با تمامی ضعف-ها، کاستی-ها، اشکالات و اشتباهاتش- بر این کشور حکومت می-کرد، امروز دیگر از آن کشور شوراها خبری نیست. نظام حاکم بر این کشور سرمایه-داری نئولیبرالی است. شاید در گوشه و کنار این سرزمین پهناور هنوز هم بتوان نشانه-هایی از نظام پیشین یافت، ولی نمی‌توان منکر ماهیت سرمایه-داری نظام حاکم بر این کشور بود. در این کشور سوسیالیستی سابق شکاف طبقاتی چنان شدید و آشکار، و ستم طبقاتی و استثمار زحمتکشان و خصوصاً زنان و کودکان آنچنان لجام گسیخته و بی حد و مرز است که دست دولت-های سرمایه-داری غرب را از پشت بسته است. کشور روسیه را با توجه به توان اقتصادی و مالی و بالاخص قدرت نظامی و امکانات سیاسی-اش نمی‌توان در زمره کشورهای پیرامونی قرار داد. هرچند این توان

قابل مقایسه با آمریکا نبوده و در ابعاد مختلف حتماً ضعیف تر از آلمان و ژاپن می‌باشد. ولی بی‌تعارف در همان چارچوب امپریالیستی قابل ارزیابی است. اگرچه روسیه مهمانی ناخوانده و تحمیلی برای گروه جی-هشت محسوب می‌گردد، ولی حضور بی‌مسما و نامأنوسی هم در آن جمع ندارد. ما نبایستی از بیان این واقعیت تلخ که کشور روسیه امروز دیگر نه یک کشور سوسیالیستی بلکه کشوری سرمایه‌داری و امپریالیستی است واهمه‌ای بخود راه دهیم. آری روسیه امروز کشوری سرمایه‌داری و امپریالیستی است. هرچند ضعیف تر از بسیاری از همقطارانش. در تعیین ماهیت جنگ گرجستان هم نمی‌توان این پارامتر تعیین کننده را فراموش نمود. این جنگ به تبع ماهیت نظام حاکم بر روسیه و اهداف آنان از جنگ اخیر ناعادلانه، امپریالیستی و ارتجاعی است. هدف جنگ از جانب هر دو طرف سلطه‌گرانه می‌باشد.

متأسفانه حزب کمونیست روسیه آنچنان اسیر ناسیونالیسم گردیده که ترجیح می‌دهد به بهای جلب آرای بخش ناچیزی از رأی دهندگان روسی روح انترناسیونالیسم پرولتری و جوهر آموزه های لنین را به نفع تمایلات شوونیستی روس ها زیرپا بگذارد. رفقای حزب کمونیست حتماً رفتار لنین را بخاطر می‌آورند که در جنگ جهانی اول برخلاف رهبران خیانتکار سوسیال دمکرات-اروپایی که با ترک مواضع انترناسیونالیستی از دولتهای امپریالیستی خویش دفاع نمودند، وی با جسارت و شهامتی مثال زدنی، با ناعادلانه خواندن جنگ از جانب طرفین درگیر، شعار جنگ بر علیه جنگ را سرداد و با شم تیز بین خود و انطباق آموزه های مارکس با شرایط خاص روسیه در یکی از تند پیچ‌های تاریخ روسیه، حزب کوچک بلشویک را قادر ساخت با اعمال هژمونی حزب در انقلاب اکتبر پیکان خشم توده ها را به سوی اوج قدرت، یعنی نظام سرمایه داری کانالیزه نماید و نبرد کار سرمایه را در مقطعی از تاریخ و در پهنه‌ای از جهان بسود اردوی کار رقم زند. متأسفیم که حزب کمونیست روسیه نتوانست وارثی شایسته-برای لنین باشد. ناسیونالیسم روسی بحدی بر حزب مستولی گشته که براحتی بر فاجعه انسانی که در گوری و روستاهای اطراف آن رخ داده است چشم می‌پوشد. " نکته آخر این که پوشش خبری رسانه‌های غربی در مورد فاجعه اوستیای جنوبی به شدت یک‌طرفه، همراه با پیش‌داوری و جانب‌داری از یک طرف است. خبری از اوستیای جنوبی گزارش نمی‌شود؛ تمام اخبار مربوط به گوری و سایر شهرهای گرجستان هستند که شمار تلفات در آنها، هر چقدر هم که باشد، بی‌تردید قابل مقایسه با میزان تلفات در تسخینوالی نیست." (۶)

هدف ما به سایه بردن جنایات صورت گرفته در تسخینوالی توسط نیروهای گرجی و حامیان امپریالیست آن نیست. بلکه قصد ما تأکید بر وظیفه انترناسیونالیستی فراموش شده این رفقا در قبال مردم گوری و ... می‌باشد، موضوعی که در بیانیه رفقای روسی جای آن خالی است. نیروهای آزادیخواه و عدالت طلب و مدافع حقوق بشر و در این مورد خاص حزب کمونیست روسیه بایستی همزمان نسبت به افشای جنایات طرفین دعوا - البته متناسب با ابعاد جنایت هر کدام- بپردازند. انتظار ما از حزب کمونیست روسیه آنست که بجای ترس از ناسیونالیسم غالب بر روسیه- دست‌آویزی که دولت روسیه با تمسک به آن می‌خواهد خود را از آماج مبارزات کارگران و زحمتکشان روسیه خارج سازد- افشای اعمال جنایتکارانه ارتش روسیه و باند پوتین- مدودف را در دستورکار خود قرار می‌داد و اعتراضات جهانی و داخلی را علیه جنگ قفقاز رهبری می‌نمود..

در چنین شرایطی وظیفه کمونیست‌ها دامن زدن به درگیری‌های قومی و برافروختن آتش ناسیونالیسم نیست، کمونیست‌ها موظف‌ند از ایجاد نفرت بین خلق ها و بخصوص کارگران و زحمتکشان آن دو خلق جلوگیری نمایند. متأسفانه حزب کمونیست روسیه با صدور آن دو اعلامیه ناسیونالیستی و حذف فاجعه انسانی رخ داده توسط ارتش روسیه، نفرت زحمتکشان گرجستان را بر علیه خود موجب گردیده است.

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران- اکثریت (داخل کشور)

۲۰/۷/۱۳۸۷

- (۱) و (۳) و (۶) بیانیه حزب کمونیست فدراسیون روسیه خطاب به احزاب کمونیست جهان!
- (۲) و (۴) بیانیه حزب کمونیست فدراتیو روسیه "توطئه آمریکا و اروپا باید در هم کوبیده شود!"
- (۵) مجموعه آثار سه جلدی - فارسی ج ۲ ص ۱۰۶۹